

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال می کنیم

این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

د ر صفحه ۳

رژیم خبر از ۷۰ "قارنا"ی جدید می دهد

خانه های گلین آن برسراکنینش فرود آمده ، روستایی که خالی از مکنه شده ، روستایی که خاک آن از خون فرزندان مبارز خلقی که حق حیات می طلبید ، رنگین گشته ۰۰۰ چنین است تصویریک روستای " پاکسازی" شده و حال رژیم به یکباره از " پاکسازی " ۷۰ روستایعنسی از ۷۰ " قارنا"ی جدید ، خبر می دهد .
بقیه در صفحه ۵

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی خبرازیک موج سرکوب و کشتار وسیع در کردستان داده است . بنا بر نوشته چراید ۲۷ تیرماه ، در جریان عملیات ۵ مرحله ای " قائم آل محمد " ۷۰ روستای کردستان در محدوده مرهوان ، دیواندوره و سفز باصطلاح " پاکسازی " شده اند .
" پاکسازی " در قاموس رژیم ، بارروشنی دارد : روستایی به توپ بسته شده ، روستایی که سقف

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۵ تیر ۱۳۶۳ برابر ۶ ژوئیه ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۴

"روز قدس" جنبش فلسطین و جمهوری اسلامی

امسال نیز در ایران ، در آخرین جمعه ماه رمضان ، مراسمی تحت عنوان بزرگداشت " روز قدس " برگزار گردید . مراسم امسال نیز مانند مراسم سال گذشته ، بدون حضور مردم و به نحوی حقیرانه و فرمایشی ، برپا شد . رژیم جمهوری اسلامی ، امسال نیز ناچار شد برای پرکردن میادین محل برگزاری مراسم ، وسیعاً از نیروهای نظامی و انتظامی استفاده کند تا عدم حضور شرکت مردم پوشیده بماند . در حالیکه در سالهای اول پس از انقلاب ، مراسم " روز قدس " از سوی مردم و نیروهای مترقی بند و گسترده ای مورد استقبال قرار می گرفت . در آن زمان ، با وجود عملکرد سوءحافل ارتجاعی و تنگ نظر و با وجود سیاست کج و معوج جمهوری اسلامی در قبال جنبش فلسطین ، شکوهمندی اجتماعات و تظاهرات این روز تا حد و دی بیانگر همبستگی عمیق میان مردم ما و خلق فلسطین بود .

در همان سالهای سیاه دیکتاتوری شاه ، میان مبارزه مردم ما علیه رژیم شاه و مبارزه مردم فلسطین علیه صهیونسم ، پیوند و ارتباط تنگاتنگی وجود داشت . کمک ها ، می تقابل سازمانهای رزمنده فلسطینی و سازمانهای

بقیه در صفحه ۲
اتحادیه کارگران پیشرو
دوب آهن پاکستان :
مبارزان سیاسی و کارگران زندانی
در ایران را آزاد کنید ! در صفحه ۱۰

گزارشی از اوین ، آوردگاه شرف انسانی و درنده خویی حیوانی

د ر صفحه ۶

ج ۱۰. در گویی های خود را بر ملا می سازد

سلاحهای شیمیایی ، رژیم برای پرده افکندن بسر روی شکست عملیات خبیر ، یک کارزار تبلیغاتی در این مورد به راه انداخت و فرصت رامختتم دید تا علاوه بر عوامفریبی برای گرم ساختن بیشتر تنور جنگ ، به این تبلیغات یک جهت ضد شوروی نیز بدهد ، با این هدف که امپریالیستها را با

بقیه در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی ، برای جلب نظر امپریالیستها ، از هر سانه ای برای دامن زدن به هیستری ضد شوروی ، بهره می جوید و برعکس منظور ، گاه آن چنان بی گدار به آب می زند که خود وای می ماند چگونه دروغهایش را کنار هم بگذارد و به نوعی سروته قضیه را بهم آورد .
به دنبال مطرح شدن استفاده عراق از

نقش امپریالیسم آمریکا در بحران خلیج فارس

"بحران تنگه هرمز" و استفاده آمریکا از آن

حدود ۹ ماه پیش ، برای نخستین بار مساله پستن تنگه هرمز بعنوان یک خطر جدی مطرح گردید . " بحران تنگه هرمز " که نتیجه مستقیم و اجتناب ناپذیر ادامه جنگ فرسایشی میان ایران و عراق بود ، از سوی آمریکا برای به اجرا درآوردن خطرناکترین توطئه نظامی در منطقه مورد استفاده قرار گرفت . این امری کاملاً قابل پیش بینی بود که اگر جنگ ایران و

عراق ادامه یابد ، جلوگیری از گسترش آن به خلیج فارس ممکن نیست . در جنگ ، طرفین متخاصم از هر وسیله ای برای زدن ضربه نظامی و اقتصادی به یکدیگر استفاده می کنند . " جنگ محدود " وجود ندارد .

به دنبال تهدید عراق مبنی بر همد ف قرارداد ن ترمینال نفتی خارك (با هدف قطع صد و رفتن ایران) ، جمهوری اسلامی متقابلاً اعلام کرد اگر نتواند نفت صادر کند ، تنگه هرمز

بقیه در صفحه ۴

گرامی باد خاطره رزم خونین و دلیرانه کارگران نساجی قائم شهر !

د ر صفحه ۱۰

این سو و آن سوی سد سکندر کنکور

د ر صفحه ۹

شرکت کمیته "همبستگی با ایران" در کنفرانس ایالتی "سبزها"

د ر صفحه ۱۰

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

”روز قدس“ جنبش فلسطین و جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول
انقلابی ایرانی و از جمله سازمان ما، جلوه ای از پیوندی بود که میان مبارزه خلقهای مبارز شده بود. در شعارهای مبارزاتی که به انقلاب و به سرنگونی رژیم شاه منجر گردید. شعارهای ضد اسرائیلی جایگاه خاصی داشت. مردم ما به درستی دریافته بودند که مبارزه علیه امپریالیستهای امریکایی و رژیم سرسپرده شاه در ایران، جدا از مبارزه علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل، بمعنا به سگ رنجبری امپریالیسم در منطقه، نیست و مبارزه سازمانهای رهنمندی فلسطینی مبارزه ای است که نه فقط در دفاع از حقوق حقه مردم فلسطین، که در عین حال در حراست از حقوق همه خلقهای منطقه علیه مداخلات و تجاوزات رژیم صهیونیستی صورت می گیرد.

در پی پیروزی انقلاب بهمین، مردم انتظار داشتند که حاکمیت پس از انقلاب، راهمیشیانی قاطع و موثر از جنبش فلسطین را در پیش گیرد. ولی از سوی دولت وقت و دیگر نیروهای راست درون حاکمیت جمهوری اسلامی، بطور گستاخانه ای در مناسبات با نماندگان قانونی و منحصر بفرد مردم فلسطین یعنی ”سازمان آزاد بخش فلسطین“ (ساف) خرابکاری می شد. این نیروها از هیچ تشبیهی برای تخریب مناسبات فیما بین و تضعیف جنبش فلسطین ایانداشتند. اما همبستگی میان مبارزه خلقهای ایران و فلسطین چنان تعمیق یافته بود که اینگونه خرابکاریها هنوز نمی توانست راه بسط مناسبات را مسدود نماید.

سازمانهای انقلابی و مترقی ایسران، از مذهب و غیرمذهبی، ضمن افشای پیگیری تحریکات سوءنیروهای راست و ارتجاعی حاکمیت، بنحوی فعال خواستار بسط این مناسبات بودند. برچنین زمینه ای بود که در سال ۵۸ از سوی رهبران جمهوری اسلامی، آخرین جمعه ماه رمضان هرسال، بعنوان ”روز قدس“ برگزیده شد. از دیدگاه مردم این روز، فرصتی برای اظهار همبستگی و پیوند با مبارزه خلق فلسطین و ابراز انزجار از تجاوزات و مداخله جویهای رژیم صهیونیستی اسرائیل بود و بهمین خاطر از آن استقبال می نمودند.

اما با وجود این تصمیم و با وجود پاره ای تصمیمات عملی مفید از قبیل اعلام رسمی قطع هرگونه مناسبات با دولت اسرائیل و به رسمیت شناختن ”ساف“ بعنوان نماینده و تنها نماینده مردم فلسطین، راه و روش جمهوری اسلامی در برخورد با مساله فلسطین دچار چنان تناقضات و آشفتگی های بود که دشمنان مردم فلسطین را دلگرم می کرد و مقامات رژیم صهیونیستی را به نتایج مخرب آن امیدوار می نمود. بر سبب مناسباتی که این تناقضات فراهم آورده بود، عوامل ارتجاع و ایادی

امپریالیسم کو شیدند. دولت جمهوری اسلامی را در مقابل ”ساف“ و مبارزات مردم فلسطین قرار دهند. سرعت پیشرفت آنان حیرت انگیز بود. جمهوری اسلامی با درپیش گرفتن سیاستی مداخله گرانه، تنگ نظرانه و بزرتری جویانه تلاش کرد تا ”ساف“ را دنبال روسیاسته ها و روشهای خود نماید، با تاکید بر تفاوت های عقیدتی و مذهبی، سازمانهای فلسطینی را به تقابل و تخاصم بیاورد یکسانند، هم با ایدئولوژیهای صهیونیستی مبارزه های بخش مردم فلسطین را جنگی مذهبی و انمود کنند، حقوق ”ساف“ را به ثبات تنها نمایند. مردم فلسطین را از متحدین و دوستان خود در منطقه و جهان جدا کرده و منزوی سازد و این سیاست بطور شگفت آوری با سیاستهای شناخته شده اسرائیل همسویی و نزدیکی داشت.

یکی از جلوه های به غایت گراشت بسیار عملکرد جمهوری اسلامی، چگونگی برخورد با مبارزه خلق فلسطین در هنگامه اشغال لبنان توسط اسرائیل بود. در حالیکه رزمندگان فلسطینی، در معرکه ای از خون و آتش، محاصره شده بودند، همه امکانات عملی و تبلیغی جمهوری اسلامی در راه تحقیر، تضعیف و تخریب آنان و تخریب درگاه مبارزه متحدشان، بکار گرفته شده بود. آن سال در ایران مراسم ”روز قدس“ عرصه دیگری بود تا نیروهای مرتجع با پنهان مبارزه پیگیری علیه صهیونیسم به زدیانه ترین هتاک علیه خلق فلسطین و رزم شکوهمند آنان بپردازند.

با قبضه قدرت حاکمیت توسط نیروهای راست و محافظه کار، شعارهای ضد صهیونیستی به وسیله دیگری برای عوامفریبی و ریاکاری مبدل گردید. آنان که در آغاز کوشیده بودند با تاکید افراطی بر نقش صهیونیسم، بر نقش و عملکرد امپریالیسم در منطقه و حتی جهان پرده افکنند، این بار با صهیونیستی نامیدن رژیم عراق می کوشند رژیم صهیونیستی اسرائیل را از زیر ضرب خارج نمایند. و مبارزه با صهیونیسم را همان جنگ با عراق و انمود سازند. با سواستفاده از نفرت مردم علیه رژیم اسرائیل نیروی مردم را در خدمت سیاستی بکار می گیرند که به امپریالیسم و نیز به اسرائیل نیرو می دهد. با پنهان گشودن ”راه قدس“ به جنگی ادامه می دهند که به سختی می توان بهره هنگفتی که ”رژیم اشغالگر قدس“ از آن می برد احساس نمود. با پنهان گشودن ”راه قدس“ به جنگی ادامه می دهند که به گزارش رسانه های بین المللی راه خلیج را به روی نیروهای رژیم اسرائیل می گشاید. در حالیکه همه نیروهای ترقیخواه جهان اعمال اسرائیل را، که به تشویق و هدایت متحد استراتژیک آن امپریالیستهای آمریکایی صورت می گیرد،

عامل اصلی تشنج و آشوب در منطقه می دانند، جمهوری اسلامی، با اغراض نسبت به آن، رژیم عراق را عامل اصلی تشنج و دشمن اصلی خلقهای منطقه معرفی می کند و ۰۰۰ بالاخره کار را به جایی می رساند، که فارغ از ننگ و ناسب مناسبات با اسرائیل را پنهانی از سر می گیرد و با این رژیم مغفور معاملات تسلیحاتی انجام می دهد اکنون که اجتماعات ”روز قدس“ تنها به صحنه ای برای تکرار شعارهای پرفطراق و پسر آب و تاب بدل شده است، طبیعی است که از شرکت مردم در آن، هرسال بیشتر از سال پیش کاسته شود. اما ناگفته پیداست که کاهش روز افزون حضور مردم نه به معنی تخفیف و یا تضعیف همبستگی آنان با مبارزات خلق فلسطین، که به معنی اعتراض به عملکرد حاکمین جمهوری اسلامی است. هیچ چیز نمی تواند بر پیوند و همبستگی میان خلق ما با خلق فلسطین خللی وارد کند.

مردم هرچه بیشتر درمی یابند که اسرائیل از جنگ میان ایران و عراق و پیامدهای آن نرسو می گیرد، از این رو خواستار قطع فوری جنگی هستند که ”به اسرائیل امکان داده است تا موقعیت بین المللی خود را تحکیم کنند.“ (اسحاق شامیر)

جبهه مبارزه مردم فلسطین علیه رژیم صهیونیستی اسرائیل، یکی از جبهه های اصلی نبرد خلقهای منطقه علیه امپریالیسم و ایادی آن است. اقدامات جمهوری اسلامی در تضعیف این جبهه و تحریف مضمون مبارزاتی آن و تخریب صفوف متحد آن، انزجار مردم ما را برمی انگیزد. ”ساف“ تنها نماینده مردم فلسطین است. سعی جمهوری اسلامی در انکار این واقعیت و یا تجزیه این سازمان و یا تراشیدن نمایندگانی جعلی و موهوم در کنار آن، همراهی با امپریالیستهای امریکایی و رژیم صهیونیستی است که ”با کوشش در تجزیه و برهم زدن سازمان آزادی بخش فلسطین“ (اعلامیه احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی منتشره در ژوئن سال جاری) می خواهند راه انجام اهداف تجار و زگرانته خود را هموار نمایند. در تقابل با خرابکاریهای جمهوری اسلامی، مردم ما همراه با همه نیروهای انقلابی و مترقی منطقه و جهان ”براهمیت و ضرورت حفظ وحدت در سازمان آزادی بخش فلسطین“ بر پایه مشی ضد امپریالیستی و ملی و میهنی (همانجا) تاکید دارند.

مردم فلسطین و ساف در مبارزه خود از همبستگی و یاری بیدر کشورها و سوسیالیستی و پشتیبانی نیروهای ترقیخواه جهان برخوردارند و قبل از همه رژیم اسرائیل از تشبثات مذبحو حانه رژیم جمهوری اسلامی در گسست این همبستگی حمایت می کند. مردم فلسطین در رساله های دراز مبارزه خونین خود، دوستان دروغین بسیاری دیده اند، بسیاری از رژیمهای منطقه، نبرد قهرمانانه خلق فلسطین را همچون وسیله ای بقیه در صفحه ۳

اظهاریه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) از توافق روی قطع حمله به مناطق مسکونی استقبال می کنیم این توافق باید به آتش بس کامل و صلح بین دو کشور تبدیل شود

دست از اغفال رذیلانه کودکان و قربانی کردن آنها در جبهه های جنگ بردارد و به تدارک نیرو برای ارتکاب جنایات تازه تر خاتمه دهد .
از پدران و مادران هموطن می خواهیم نگذارند مرتجعین حاکم جگر گوشه هایشان را در باتلاقهای جنوب سر به نیست کنند . مردم اجازة ندهند حکومت برای این جنگ خانمان سوز عزیزان را راهی جبهه ها کند .
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، از دولتین ایران و عراق می خواهد که در سراسر جبهه های جنگ فوراً آتش بس اعلام شود . تمام اختلافات و کشور باید به واسطه مراجع بین المللی و از طریق مذاکرات صلح حل و فصل شود .

ما امتناع دولت ایران از پذیرش آتش بس و عدم شرکت آن در مذاکرات صلح را بشدت محکوم می کنیم و اعتقاد راسخ داریم ، هر روز که ایران در پذیرش این پیشنهاد تاخیر کند ، همانطور که تا امروز ثابت شده است ، منافع ملی ما بیشتر بر باد خواهد رفت و موضع ایران برای حلال شرافتمندانه مساله جنگ با زهم بیشتر تضعیف می شود . اکنون باید توافق روی عدم بمباران شهرها و مناطق مسکونی ، به توافق روی عدم حمله به کشتی ها ، توافق روی عدم شلیک روی مواضع طرفین و به برقراری آتش بس کامل گسترش یابد .

از خلق قهرمان ایران ، از تمام کشورها و هموطنان صلح دوست و از تمام مراجع بین المللی می خواهیم که برای وادار کردن حکومت ایران به پذیرش این توافق های صلح جو یانه مبارزه و تلاش خود را هر چه بیشتر گسترش دهند .

زننده باد صلح

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
۲۴ خرداد ماه ۱۳۶۳

"روز قدس"

بقیه از صفحه ۲

برای عوامفریبی و دغلکاری بکار گرفتند . بسیاری کوشیدند تا این مبارزه را در چارچوب منافع و روشهای خود به بند کشند . فلسطین برای آنان ، آنگونه که شاعر فلسطینی ، "محمود درویش" می گوید :

چونان مرغ افسانه ای بود

که تخم طلا می گذاشت

اما این رژیمها را از رسوایی گریزی نبود . اینک سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در کمین "تخم طلا" نشستند . آنان را نیکی از رسوایی گریزی نیست . واکش مردم مادر "روز قدس" جلوه ای از رسوایی آنان است .

جانی و مادی بیشتری را نصیب کشور ما می کند .
ادامه جنگ نه تنها موقعیت ایران را برای تأمین حقوق و منافع خود بمثابه کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته است هر روز بیشتر تضعیف می کند ، بلکه قهراً خطر گسترش جنگ به خلیج فارس و منطقه ای شدن آن را افزایش می دهد .
در لحظه کنونی مهمترین خطری که اصراری معنای جمهوری اسلامی به ادامه جنگ متوجه میهن ما کرده است ، خطر گسترش آن به خلیج فارس ، منطقه ای شدن جنگ و مداخله هر چه گستاخانه تر امپریالیسم آمریکا است .

دو سال پیش زمانی که نیروهای متجاوز عراق از خاک کشور ما رانده شده و خرمشهر فتح شده بود ، سازمان فدائیان خلق ایران و حزب توده ایران در باره خطر فرسایشی شدن جنگ هشدار داده و ادامه جنگ را سیاسی به زبان منافع خلق ایران ارزیابی کردند . در طول این مدت ، ما بارها و بارها تأکید کرده ایم هر روز که جنگ ادامه پیدای کند موضع کشور ما بیشتر تضعیف می شود . دو سال پیش در چنین روزهای موضع کشور ما برای رسیدن به صلح کاملاً قوی و کاملاً برحق بود . اما هر روز که سران مرتجع و نادان جمهوری اسلامی جنگ را ادامه دادند ، جز زیان و مصیبت و فاجعه بیشتر هیچ چیزی نصیب مردم ما نکردند . این دو سال ، این سالهای سیاه ، نشان داد که سیاست و اعمال رهبری جمهوری اسلامی ایران عمیقاً بیخردانه ، ضد ملی و جنایتکارانه بوده است .

مردم ایران نخواهند بخشید بر حکام مرتجع و نادانی که دو سال پیش بهترین فرصتها را برای خاتمه دادن به جنگ از دست دادند و این همه خسارت و ویرانی و گورستان بسزای ما بر جا گذاشتند و هنوز هم دست بردار نیستند .

مطابق شواهد موجود دولت جمهوری اسلامی ایران مشغول بسیج جنون آمیز نیرو برای اعزام به جبهه های مرگ است . سپاه و بسیج فشار خود را روی مدارس برای بسیج دام انداختن هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان برای اعزام به جبهه ها از نوافزایش داده اند . دولت ایران برای حملات فاجعه انگیز تازه تری آماده می شود . این عملیات اگر انجام شود ، بار دیگر ضربه عظیم تری به منابع ملی کشور ما وارد خواهد آورد . ضربه ای که همچون گذشته و حتی پیش از گذشته ، به قیمت تلف شدن جان هزاران جوان و نوجوان بیگناه ایرانی تمام خواهد شد .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) با نفرت و انزجار هرگونه تدارک برای انجام حملات تازه را محکوم می کند و بنام خلق قهرمان ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد

در پاسخ به درخواست دبیرکل سازمان ملل متحد ، آقای خاویرز و کویا راد و لتهای ایران و عراق موافقت و تعهد کرده اند که از ساعت ۱۲ شب به وقت گرینویچ روز سه شنبه ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ برابر ۲۲ خرداد ماه ۱۳۶۳ به بمباران مناطق مسکونی ، شهرها و هدفهای غیر نظامی خاتمه دهند و به دنبال این تعهد ، بمباران مناطق مسکونی ، که از بیرحمانه ترین جنایات رژیمهای دو کشور بوده است ، قطع گردید و اندکی از درد و رنج و بیم و دلهره مردم دو کشور ، بخصوص مردم بلاکشید خوزستان کاست .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) که همواره با خشم و نفرت ایمن جنایات هردو طرف را محکوم کرده است ، اکنون از این اقدام شایسته دبیرکل سازمان ملل متحد قدردانی کرده ، بر لزوم اجرای بی خدش آن تأکید می کند . امید و ارادت این موافقت سر آغاز راهی گردد که به این جنگ بی معنی و فاجعه آمیز خاتمه دهد .

ادامه جنگ ایران و عراق ، خطر گسترش و منطقه ای شدن آن را به دنبال دارد . این خطر هر روز تشدید می شود . امپریالیسم آمریکا و متحدانش در کمین نشسته اند که با استفاده از تشنج موجود در منطقه خلیج فارس ، کسه ناشی از ادامه جنگ است ، به مداخله مستقیم نظامی و حتی اشغال خاک کشورهای منطقه میادرت و رزند . هم اکنون انبوه عظیم نیروهای مسلح و ناوگان ارتش تجا و زگر آمریکا ، خلیج فارس و دریای عمان را جوی لانه خود ساخته اند . این کار بهانه حفظ امنیت عبور و مرور کشتی ها انجام گرفته است . امپریالیسم آمریکا و دیگر دشمنان خلق ما را ادامه و گسترش جنگ ذینفعند . حمله به کشتی ها در خلیج فارس و گسترش دامنه جنگ به این منطقه جزئی از اهداف امپریالیسم آمریکاست .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، هرگونه حمله به کشتی های محکوم می کند و خواهان آنست که طرفین محاصره توافق کنند که بدون هرگونه قید و شرط در منطقه خلیج فارس نیز ، بلا درنگ آتش بس اعلام شود .

دولت جمهوری اسلامی ایران همواره لجوجانه اعلام کرده است که خواهان ادامه جنگ است و به هیچ وجه حاضر به پذیرش آتش بس در مرزهای توافق شده دو کشور که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تعیین شده ، نیست . دولت جمهوری اسلامی مخالف صلح با عراق است ، این مخالفت عمیقاً به زیان منافع ملی ماست . جمهوری اسلامی با ادامه میبهد جنگ هر روز زیانهای

نقش امپریالیسم آمریکا در بحران خلیج فارس

راه خانه هایشان با توپ و تانک و هواپیماهای جنگی " بدرقه " کند - بهانه لازم را داد تا کشتی های بیطرف نیز در خلیج فارس از سوی ناوهای پنتاگون " مشایحت " شوند . روز نامه انگلیسی " ابزرور " می نویسد ناوهای نیروی دریایی آمریکا اغلب برخلاف اراده کشتی هایی که در خلیج فارس در حال رفت و آمدند ، آنها را همراهی می کنند . از جمله ، دریکی از این موارد ، یک ناو موشک برآمریکایی ، شب هنگام به کشتی کوییتی " رأس البصره " نزدیک شده و فرمان داد که اطلاع بدهد به کدام کشور تعلق دارد .

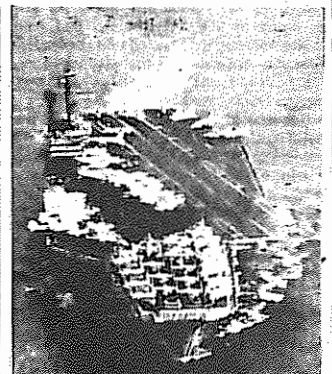
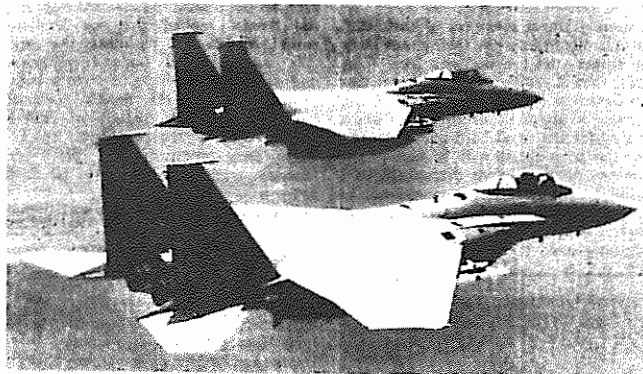
سپس این ناو موشک بر ، در فاصله کمی ، مدتی به دنبال کشتی کوییتی حرکت کرد . این واقعه باعث شده که حتی سخنگوی شرکت کوییتی صاحب کشتی مزبور ، زبان به اعتراض بگشاید و اظهار دارد که ناوهای جنگی آمریکا با وادار کردن کشتی های بازرگانی به اعلام خط سیر خود ، دریاوردی در خلیج را به خطر انداخته اند . از جمله استفاده های دیگر آمریکا از آشوب اخیر در خلیج فارس ، مستقر کردن هواپیماهای سوخت رسان ، افزایش حضور مستقیم نظامی و به حال آماده باش در آوردن نفرات نیروهای هوایی خود در این منطقه بوده است . به این اقدامات باید تحویل ۴ موشک " استینگر " به عربستان سعودی را نیز افزود . هفته نامه آمریکایی " نیو زیک " می نویسد : " محور استراتژی آمریکا تقویت نظامی عربستان سعودی به صورتی است که بتواند هم از خودش و هم از همسایه های عریض در مقابل حملات هوایی

احتمالی ایران دفاع کند . " (البته باید در نظر داشت " دفاع " در قاموس سیاست گزاران آمریکایی کلمه ای است که برای هرگونه عملیات نظامی یکبار می رود) " واشنگتن پست " در تاریخ ۲۱ ماه مه بطور بی پرده نوشت : " اکنون عربستان سعودی به عقیده پنتاگون باید در عملیات جنگی در خلیج فارس شرکت کند . "

بدین ترتیب در این مقطع مشخص ، مداخله نظامی بطور غیرمستقیم " به شعرا اصلی پنتاگون در خلیج فارس تبدیل شد و به مرحله اجرا درآمد . آیا در مورد عملی شدن این مداخله ، هنوز شک و شبهه ای وجود دارد ؟ وقتی آواکس های آمریکایی تعقیب هواپیماهای جنگی ، هواپیماهای سوخت رسان آمریکایی رساندن بنزین به جنگنده ها ، خلبانان و کارشناسان آمریکایی هدایت پرواز ایمن جنگنده ها ، اف - ۱۵ های آمریکایی انجام عملیات جنگی و موشکهای " استینگر " ، " ساید ویندر " ، " اسپارو " و ... که همگی آمریکایی هستند ، هدف قراردادن هواپیماها را برعهده دارند ، باز نمی توان گفت مداخله نظامی آمریکا در منطقه وارد مرحله عملی خود نشده است ؟

بلندگوهای امپریالیستی باخرسنسندی از " موفقیت " این سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس سخن می گویند . مفسر " نیوزویک "

پیوند دارد ، و به نظریه کارشناسان اگر اوضاع در خلیج از کنترل آمریکا خارج شود ، عمان در درخواست کمک از آمریکا تامل نخواهد کرد ، و این به واشنگتن بهانه مشروعی خواهد داد که کشتی هایش را به خلیج فارس بفرستد . " سلطان قابوس حکمران عمان نیز گفت وی " با آمریکا درباره برخی اقدامات در صورت تهدید امنیت خلیج فارس " به توافق رسیده است .



ناو هواپیما بر " آمریکا " و هواپیماهای اف - ۱۵ ساخت آمریکا در حال پرواز بر فراز خلیج فارس

" اختلال در صدور نفت " بجای " بستن مدخل خلیج فارس "

اوایل ماه مارس ، یعنی درست هنگامی که حکومت ایران تهدید کرده بود تنگه هرمز را خواهد بست ، " هائل " وزیر انرژی آمریکا گفت : " این احتمال بسیار ضعیف است که مداخله خلیج فارس بسته شود . اختلال در استخراج و حمل و نقل محتمل تر است . " تحول بعدی اوضاع نشان داد که این اظهارات وزیر آمریکایی نه یک حدس و گمان عادی ، بلکه دقیقاً نقشه ای بود که آمریکا برای خلیج فارس کشیده و به اجرا درآورد .

در عرض چند هفته تا اواخر ماه مه ، ۶۰ نفتکش در خلیج فارس مورد حمله جنگنده های ایران قرار گرفته ، آسیب دیده و یا غرق شدند . صادرات نفتی کشورهای خلیج فارس به شدت کاهش یافت . به نوشته " نیوزویک " فروش نفت ایران به ۴۵۰ میلیون دلار در ماه ، یعنی تنها نیمی از مبلغی که برای اداره جنگ و برطرف کردن نیازهای اساسی کشور لازم است ، رسید . نرخ های بیمه و حمل و نقل شرکتهای غربی برای خلیج فارس چند برابر شد .

این وضع ، به آمریکا امکان داد بطور مداوم و وظایف ناوهای جنگی خود در خلیج فارس را توسعه دهد . این ناوها در ابتدا تنها به بدرقه کشتی های نفتکش پرداختند که نفست را برای رفع نیازمندیهای نظامی ایالات متحده آمریکا حمل می کرد . اما افزایش تشنج در خلیج فارس به آمریکا - که اگر بتواند ، بسیار مایل است تک افراد جمعیت کشورهای حوزه خلیج را در

رامسد و خواهد نمود . بلافاصله ، رسانه های گروهی امپریالیستی به کارزار تبلیغاتی وسیعی برای بزرگ جلوه دادن این خطر برای غرب دست زدند . مقامات رسمی آمریکایی پس از دیگری در این باره اظهار نظر کردند و کوشیدند با ارائه این " دلیل " که قطع صادرات نفت خلیج برای اقتصاد غرب خطر حیاتی دارد ، زمینه روانی برای مداخله نظامی احتمالی را آماده سازند .

اقدامات عملی نیز انجام گرفت . " کمک " نظامی آمریکا به شیم های ارتجاعی منطقه افزایش یافته و حضور مستقیم آمریکا نیز ابعاد گسترده تری یافت . برای باردوم ، در اواسط بهمن ماه سال گذشته تدارکات حکومت ایران برای عملیات " والفجر ۵ و ۶ " و " خیبر " نیز سو و تکرار تهدید به هدف قرارداد " خارك " توسط عراق از سوی دیگر ، باعث آغاز مرحله جدید بحران شد . مقامات جمهوری اسلامی باردیگر تهدید به مسدود کردن تنگه هرمز کردند ، آمریکا هم که گویی فقط منتظر همین بهانه بود ، " مقررات " ویژه ای برای عبور و مرور در خلیج فارس (یعنی در محدوده آبهای بین المللی) اعلام کرد و در چارچوب اجرای همین " مقررات " خود ساخته ، یک ناو جنگی آمریکایی به سوی یک هواپیما ایرانی تیراندازی نمود . ریگان در کنفرانس مطبوعاتی ۲۲ فوریه خود گفت : " ما از مدت ها پیش و در حقیقت بطور مداوم ۰۰۰ یک ناو گروه جنگی در دریای عرب داشته ایم . " روزنامه فرانسوی " لیبراسیون " نوشت پنتاگون با استفاده از " بحران تنگه هرمز " حدود ۲۰ کشتی جنگی ، از جمله ناو هواپیما بر " میدوی " را در حول و حوش خلیج فارس متمرکز ساخت که ۳ الی ۴ عدد از آنها بطور متناوب وارد خود خلیج می شوند . در اقیانوس هند نیز کشتی های دیگری ، از جمله ناو هواپیما بر " رنجر " مستقر شدند .

روزنامه آمریکایی " شیکاگو تریبون " ، همان زمان " سناریو "ی واشنگتن برای مداخله نظامی در منطقه را چنین تشریح کرد : " عمان اکنون از طریق یک قرارداد نظامی با آمریکا

بقیه از صفحه اول

در شماره ۲۵ ژوئن ضمن ذکر این مطلب ، می نویسد غرب لااقل برای يك دوره سه ماهه می تواند نفت خود را از ذخایر نفت در آمریکا و اروپا در نفت کشتیهای عظیم عربستان سعودی و در دریای شمال و به کمک کشورهای ما بزند و نزولاً و نیجریه تأمین کند . بنابراین ، نباید تصور کرد که مداخله نظامی آمریکا در همین مرحله باقی خواهد ماند ، طراحان نظامی پنتاگون از هم اکنون ، کنش و واکنش های بعدی را در محاسبات خود ترسیم و منظور کرده اند . این يك ادعای قدیمی آمریکایی است که کشورهای عرب منطقه - "غول" های اقتصادی و "توتوله" های نظامی هستند ، و قادر نیستند "امنیت" خلیج را تأمین کنند ، و در تحلیل نهایی بکارگیری مستقیم نیروی نظامی آمریکا "اجتناب ناپذیر" است . جدا از اهداف دراز مدت ، برخی مشاوران ریگان علناً مداخله مستقیم نظامی با اهداف انتخاباتی (۱) طرفداری می کنند . نیویورک تایمز تاریخ ۲۷ ماه مه نوشت : "برخی مقامات آمریکایی از فراهم آوردن امکان بکارگیری سریع و مصعمانه نیروی جنگی آمریکا برای احیای پرستیژ ایالات متحده استقبال می کنند ." نشریه انگلیسی "ابزرور" می نویسد هدف واشنگتن از ارسال تعدادی هواپیماهای سوخت رسان به عربستان سعودی ، به هیچ وجه آن نبود که وقت پرواز هواپیماهای جنگنده اف-۱۵ عربستان سعودی بیشتر شود . هدف این هواپیماها ، تکمیل ذخیره سوخت هواپیماهای - های آمریکایی است که ممکن است از ناوهای هواپیما برکه در اقیانوس هند رفت و آمد می کنند ، به خلیج فارس اعزام شود . "نیویوریک" حتی معتقد است "سعودی کردن" جنگ خلیج همانقدر احمقانه است که "ویتنامی کردن" جنگ ویتنام "احمقانه بود . به بیان دیگر این خود آمریکا است که باید وارد عمل شود ! نکته دیگری که در بررسی نقش آمریکا در افزایش تشنج در منطقه خاور نزدیک و میانه باید در نظر گرفته شود ، هماهنگی با اسرائیل است . همزمان با سفر "آرنس" و زیرجنگ اسرائیل ، واشنگتن در اوج حمله به نفتکشها در خلیج فارس و توافق بر سر تشدید همکاری نظامی آمریکا - اسرائیل ، فرماندهی کل ارتش صهیونیستها موقع را مناسب تشخیص داد که پس از زلزله باران مناطق مجاور و نواحی استقرار نیروهای سوریه در دره بقاع لبنان ، دیگبر مستیما مواضع نیروهای سوریه را زیر آتش بگیرد . جالب اینجاست که آن به اصطلاح نفوذ شوروی ، یعنی عاملی که آمریکا همیشه بعنوان بهانه نامن کردن مناطق وسیعی در گوشه و کنار دنیا مطرح می کند ، در خاور نزدیک دقیقاً در جهت حفظ ثبات منطقه عمل می کند . اگر تحکیم روافزون پیوندهای سوریه با اتحاد شوروی و حمایت بیدریغ اتحاد شوروی از این کشور وجود نداشت اکنون

مدتها بود که اسرائیل ماجرای جدید نظامی خود در ابر انجام رسانده بود . آمریکا قصد دارد در امر مداخله نظامی در خلیج فارس علاوه بر اسرائیل پای کشورهای عضو ناتو را نیز به میان بکشد . ۱۵ ماه پیش سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تأیید کرد که در باره خلیج فارس ، میان آمریکا و انگلیس "مشورت هایی در جریان است ." واشنگتن با اصرار هرچه بیشتری از متحدان خود در پیمان ناتو طلب می کند که برای هجوم به خلیج فارس ، يك "نیروی چند ملیتی" نظیر آنچه در لبنان با شکست افتخار آوری مواجه شده بود ، تشکیل دهند . در گرد همایی رهبران هفت کشور عمده سرمایه داری در لندن ، آمریکا حداکثر فشار را به برخی از هم پیمانان خود در ناتو و مقدم بر همه به انگلیس ، برای جلب آنها به اجبرای نقشه ماجراجویانه در منطقه خلیج فارس وارد آورد . نشریه انگلیسی "ابزرور" حتی می نویسد در باره عمل نظامی مشترک در صورت بروز "موقعیت اضطراری" در خلیج فارس ، موافقت نیز حاصل شده است .

کشورهای عربی منطقه خلیج فارس - که آمریکا از آنها "دعوت رسمی" برای مداخله می طلبد - نیز شبح حضور تفنگداران آمریکایی بر فراز جاهلهای نفت خود را (به دلایلی که عمدتاً به اوضاع داخلی آنها برمی گردد) چندان خوش ندارند . يك سند سری پنتاگون که دو سال پیش فاش شد ، سریع می کند واشنگتن در درصد آن نیست که برای مداخله نظامی در خلیج ، قبلاً از "رکضوهای دوست" اجازه بخواد گستاخی واشنگتن حتی به این کشورها نیز هشدارهاش داده است . شیخ زاید بن سلطان آل نھیان "رییس امارات متحده عربی صریحاً خواهان آن شده که بحران خلیج بین المللی نشود و افزود : "ما هرگز از يك قدرت خارجی برای هجوم به خلیج دعوت نخواهیم کرد ." دبیرکل "شورای همکاری خلیج" نیز سیاست "قایق های توپدار" در خلیج را "غیرمطلوب و غیرقابل قبول" خواند . در گرد همایی اخیر و زیران خارجه شش کشور عربی خلیج فارس در طائف ، بار دیگر این کشورها از دعوت آمریکا به مداخله نظامی امتناع ورزیدند . روزنامه شوروی "پراودا" نتایج این کنفرانس را "ضربت محسوس به نقشه های ایالات متحده آمریکا" ارزیابی کرد .

قطعه نامه اخیر شوروی امنیت سازمان ملل متحد نیز که در آن از کلیه کشورهای جهان دعوت شده است - حداکثر خویشتن داری را از خود نشان داده ، از هر عملی ، احتراز جویند که ممکن است باعث تشدید جنگ و درگیری شود . بحثا به مانجی در راه تحقق رویاهای نظامی گرانه پنتاگون به شمار می رود .

در مجموع تمام رویدادهای ماههای اخیر نشان می دهد هرگونه شدت و افزایش وخامت

بقیه از صفحه اول

رژیم خبر از "قارنا"ی جدید می دهد

در اینکه درنده خوبی رژیم در کردستان حد و مرز نمی شناسد ، کوچکترین شکی نیست ، اما خلق نیز در برابر شقاوتهای نیروهای سرکوبگر ، بی تفاوت نمی نشینند و تا پای جان در برابر یورش وحشیانه قوای ارتجاع ، ایستادگی می کنند . از همین رومی بایست به داعیه رژیمینی بر تصرف مناطقی همچون سارال ، کوماسی و سرشیو ، کاملاً به دیده تردید نگریست .

رژیم اکنون در کردستان با تأکید بیشتری از "تاکتیک زمین سوخته" بهره می جوید . رژیم در پی "سوزاندن" هر منطقه و تصرف آن با دستیاری به وحشیانه ترین شیوه های سرکوب ، خود را با ترس و وحشت ناچار می بیند که قشونی از مزدوران را برای حفظ آنها اختصاص می دهد . تداوم این سیاست اکنون مناطق تصرف شده کردستان را به صورت پادگانها نظامی در آورده است .

در کردستان دیگر روستایی یافت نمی شود که تاکنون دهها مرتبه قوای سرکوبگر ، ادعای "پاکسازی" آنرا نکرده باشند . آنها بعد از هر موج کشتاری که در کردستان به راه می اندازند مدعی می شوند که دیگر ناکر کردستان به پایان رسیده و آخرین پایگاههای مقاومت خلق کرد ، برچیده شده است . به عنوان نمونه بعد از با اصطلاح پاکسازی آن ۷۰ روستا ، در اطلاعیه ای که به مناسبت اعدام یکی از عوامل رژیم به دست نیروهای پیشمرگ در روزنامه های دولتی به چاپ رسیده ، بازمه با قاحت تمام ، این ادعا تکرار می شود . (روزنامه های ۹ آخرداد) تکرار مداوم این ادعا خود بهترین دلیل برای اثبات پوچ بودن آنهاست .

رژیم برای این که نشان دهد ، به همان اندازه که جنایتکار است در قاحت نیز بی همتاست ، همواره مدعی می شود که سرکوب خلق کرد بیه استدعای همین خلق ، صورت می گیرد . فرمانده سپاه کردستان در همین تشریح عملیات اخیر ، با این دروغ و قیحانه را تکرار کرده و از "استقبال شدید مردم روستاهای آزاد شده" (۱) از رزمندگان اسلام "دم می زند" .

وقتی که با رژیم از درگیریهای جدید در همین "روستاهای آزاد شده" خبر دهد ، میتوان به کیفیت استقبال شدید مردم از رزمندگان اسلام "پی ببرد" .

اوضاع در منطقه - چه بصورت حمله به نفتکشها و نبرد های دریایی ، چه بصورت عملیات وسیع نظامی در خشکی - آمریکا را در بر داشتن يك گام دیگر در جهت تحقق نقشه های ماجراجویانه اش یاری داده است . هر چه ابعاد تشنج و درگیری بیشتر باشد ، میزان استفاده امپریالیسم از آن نیز بالاتر است . اگر عملیات وسیع و جنجالی به واشنگتن امکان می دهد طرف مدت کوتاهی گامهای بلندتری در راه بقیه در صفحه ۸

گزارشی از اوین، آوردگاه شرف انسانی و درنده خوبی حیوانی

اوین، مخوفترین زندان جمهوری اسلامی است. در راس دژ خیمان این زندان، لاجوردی جلاد نشسته است که آدم کشی، افتخار اوست. تاریخ زندان اوین، همچون کیمیت مشترک، قزل حصار و دهها سارتنگه دیگر و فصل دارد که در ادامه يك ديگرند. يك فصل با زتاب مبارزات خلق در ایران شاهنشاهی است و دیگری حکایتگر همین مبارزات در ایران جمهوری اسلامی است. بسیاری از شخصیتهای تاریخ زندانهای سیاسی ایران در هر دو فصل این کتاب که هر سطرش با خون نگاشته شده، ظاهر گشته اند و بسیاری از حماسه ها دو بار رقم خورد ه اند.

اما اوین امروز همان اوین دیروز نیست چرا که ایران امروز، ایران دیروز نیست. خاک ایران امروز را انقلاب عمیقاً شخم زده است. از دل آن هر دم چو نان "برنجزارهای شن هلسوا، خوشه های سر می زند که با هر دروکردنی پسر پشتتر می شوند." بیهوده نیست که اکنون اوین به مراتب از پیش پرمشغله تر و مخوفتر شده است. فجایعی را که در زندان اوین اتفاق می افتد با يك گزارش نمی توان به توصیف در آورد. هر آن کسی که در بند اوین گرفتار بوده است کتاب پر حجمی برای بازگو کردن دارد. اما باز آن هنگام که خلق به داوری بنشیند و همسه آتانی که در اوین گرفتار گشته اند، به سخن در آیند، چه بسیارند آن حکایتها که ناشنیده خواهند ماند، چه بسیارند آن حماسه ها که با شهدا ت آفرینندگان با نام یابی نامشان، هیچگاه بازگو نخواهند شد، چه بسیارند آن فریاد های در گلو خفه شده ای که به گوش کسی نخواهند رسید و چه بسیارند آن ترانه های شور انگیزی که با خاموش گشتن حنجره سرایندگان آن، قلبها را نخواهند لرزاند.

ما در زیر گوشه هایی از گزارش يك رفیقمان از زندان اوین را منعکس می کنیم و باز بر این نکته تاکید می ورزم که این نوشته و یا نوشته های دیگری زاین دست، تنها حکایتگر گوشه های بسیار بسیار کوچکی از جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی در زندانهای سیاسی ایران است.

در شهریور ماه سال ۶۰ بود که توسط پاسداران کمیته منطقه ۱۲ (ریاط کریم) دستگیر شدم. به مجرد ورود به مقر این کمیته که محل سابق سازمان پیشاهنگی ریاط کریم است، چشمهایم را با پارچه ضخیمی بستند و مرا به مدت چند ساعت، در اتاقی واقع در طبقه همکف این ساختمان، نشانند.

شب هنگام، پاسداری به درون آن اتاق آمد و مرا که چشمهایم بسته و بر دستهایم دستبند خورده بود تا آن حد که در توانش بود، به زیر مشت و لگد گرفت. با هر ضربه ای که می زد فحش رکیکی نیز از دهان کتیفش بیرون می آمد. من با بدنی له شده به کف اتاق افتادم پاسی از نیمه شب گذشته بود که پاسداران آمدند و مرا با ماشین به ساختمانی واقع در همان خیابانی که کمیته "قرار دارد، بردند. بعد ها شنیدم که این محل به خاطر رنگ دیوارهای آن "ساختمان قرمز" نامیده می شود.

★ اوین امروز همان اوین دیروز نیست چرا که ایران امروز، ایران دیروز نیست. خاک ایران امروز را انقلاب عمیقاً شخم زده است. از دل آن هر دم چو نان "برنجزارهای شن هوا؛ خوشه های سر می زند که با هر دروکردنی پریشتر می شوند." بیهوده نیست که اکنون اوین به مراتب از پیش پرمشغله تر و مخوفتر شده است.

بعد از ورود به این ساختمان، همان پاسداری که مرا کتک زده بود، بازویم را گرفت و مرا به داخل اتاقی هل داد که در آن پاسدار دیگری نشسته بود. او به مجرد ورود ما از جا برخاست و به پاسدار همراه من گفت: "برادر افتخاری، این طرف اعدایم است؟" پاسدار همراه من که دیگر اسمش را فهمیده بودم، در پاسخ با خنده گفت: "مسئله!"

بعد ها فهمیدم که عنوان اصلی این برادر افتخاری، "اسمال تیغ کش" است. او که یکی از لومین ترین و جانی ترین پاسدارهای کمیته ۱۲ است در همان "ساختمان قرمز" زندگی می کند. وی بسیاری از شبها زنهائس را در خیابان به بهانه های سیاسی و یا نداشتن حجاب اسلامی دستگیر کرده و به این ساختمان می آورد، به زور از آنان پول می گیرد و یا مرتکب فجایعی می شود که بسیار تکان دهنده و شرم آورند. بعدها من در زندان اوین حتی به زندانیانی برخورد کردم که خود قبلاً پاسدار بوده اند و به خاطر درگیریشان با "اسمال تیغ کش" به دنبال پرونده سازیهایی که علیه شان صورت گرفته، به زندان افتاده و حتی به جوخه اعدام سپرده شده اند. این حالت "برادر افتخاری" که در برابر هر اعتراضی به کلت کالیبر ۴۵ خود دست می زد و می گفت "قانون من این است. و من مطابق این قانون با شما رفتار می کنم" در کمیته منطقه ۱۲، شهرت زیادی

دارد.

بعد از اینکه "برادر افتخاری" مرا تحویل "ساختمان قرمز" داد، پاسدارهای آنجا مرا به درون اتاقی انداختند که در آن سه سختی می شد، جایی برای نشستن پیدا نکردم. گفتم که آن هنگام پاسی از نیمه شب گذشته بود، لذا زندانیانی که به زور در آن اتاق جا داده شده بودند، همگی به نوع شگفتی، کنار هم دراز کشیده و به خواب رفته بودند. من به سختی توانستم در گوشه ای چمباتمه بزنم. دردی که تمام بدنم را بعد از مشت و لگد های "برادر افتخاری" فرا گرفته بود، فکر این که چگونه بازجویی پس بدهم، حتی به من اجلازه چرت زدن در آن حالت را نمی داد.

"ساختمان قرمز"

در طول دو هفته روزی که در این ساختمان به سر می بردم، توانستم تا حدی از وضعیت این بازداشتگاه مخفی سر در بیآورم. "ساختمان قرمز" دارای ۵ طبقه است. این ساختمان، بازداشتگاه زندانیان موقت بسیاری از همه نقاط تهران است. موقت از آن جهت گفته می شود که کسی در درازمدت در اینجا ماندگار نیست. هر زندانی بعد از این کتله پرونده مقد ماتیش تکمیل شد به زندانهای دیگر و بویژه اوین، فرستاده می شود.

بازجویی که بعد از ظهرها در طبقه دوم ساختمان صورت می گیرد همواره با شلاق و مشت و لگد همراه است. در این ساختمان، در هنگام بازجویی، زیاد وارد جزئیات نمی شوند. زمان بازجویی و سئوالاتی که از زندانی می شود، بستگی به میزان و کیفیت اطلاعاتی دارد که در اختیار بازجوست.

★ صدای گامهای زندانیان برای من مفهوم خاصی داشت. به شعر حماسی بلندی می مانست که ترجیح آن چنین بود: ما بسیاریم! ما بسیاریم! ما بسیاریم!

بازجویی در "ساختمان قرمز" اگر چه يك شکل مقدماتی دارد، می تواند تاثیر تعیین کننده ای بر روی سرنوشت زندانی بگذارد. نظری که بازجویی "ساختمان قرمز" می دهد در اوین نیز پی گرفته می شود. به همین دلیل است که کمیته جی های مستقر در این محل با افتخار تمام می گفتند که "ما تا کنون بیشترین اعدایم را به اوین معرفی کرده ایم." روز - نامه هایی که در آن هنگام اسامی اعدام شده ها را می نوشتند، در مواردی که دستگیر شدگان منطقه ۱۲ در میان آنها به لحاظ تعداد، از بقیه نقاط بیشتر بود، به سند افتخار پاسداران مستقر در "ساختمان قرمز" تبدیل می شد.

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

حرفهای پرت و پلائی که پاسدار شکنجه گسـر می زد فهمیدم که مساله تازه‌ای در رابطه با من پیش نیامده و این شکنجه نیز جزئی از " تشریفات ورود به اوین " است . شلاق زدن او که بسـه پایان رسید دیگر چیزی را حس نمی‌کردم . تنها به یادم هست که این جمله در ذهنم چرخید که " شکنجه ، غسل تعمید انقلابی است . " شکنجه را با سربلندی پس داده بودم و از این بابست علی رغم درد شدیدی که بدنم خرد شده و پاهایم آشوب شده‌ام را فراموش کرده بودم احساس خوشحالی می‌کردم . یکبار دیگر آن جمله را از ذهنم گذراندم و از هوش رفتم .

در داخل بندهای اوین

هنوز کاملاً به هوش نیامده بودم که مسـر کشان کشان ، از پله‌ای بالا بردند و بعد از طی مدتی راه که به خاطر درد شدیدی که پاهایم را فراگرفته بود ، به نظرم بی پایمان می نمود ، مرا به داخل بند بردند و در اتاقی افتادند که بایک نظری بر دم در آنجا قریب بسـه صد نفر زندانی ، به سر می برند . چهره ها همه رنگ پریده و استخوانی ، و چشمها از حدقه درآمده بود . اتاق حداکثر ظرفیت ۲۵ نفر را داشت ، لیکن ساعتی بعد فهمیدم که در آنجا ۹۵ زندانی ، طعم "مراحم جمهوری اسلامی" رامی چشند .

آن هنگام که مرا به داخل این محبس انداختند ، از ایل شب بود . گرسنگی بررنجی که از درد پاها و عضلاتم می کشیدم افزوده شده بود . نمی دانستم چه مدت از آخرین وعده غذایی که خورده ام ، می گذرد . از زندانیان این اتاق چیزی برای خوردن خواستم . تکه‌ای نان خشک به من دادند . سرم را پایین انداخته بودم و به آن تنه نان ، دندان می زدم که ناگهان به نظرم رسید ساحتمانی در نزدیکیم فرو ریخت و یاصد هاتیرا من ، یکباره از داخل یک کامیون ، به روی زمین ریخته شد . بهت زده شدم . قلم یکباره از تنم بیرون افتاد . وقتی که برای دومین بار آن صدای هولناک تکرار شد و ویلی از بچه‌های داخل اتاق ، به گریه افتاد ، تازه فهمیدم که جریان از چه قرار است . در پشت دیوار بندها ، " دیوار الله اکبر " قرار داشت که محل تیرباران اسیران بود . اتفاق ما تا این دیوار منحوس ، تا آن حد نزدیک بود که وقتی دقت می کردیم ، می توانستیم صدای ناله تیرباران شده‌ها را بشنویم . آن شب وقتی بچه‌ها ، تعداد تیرهای خلاص را شمرند فهمیدم که ۲۳۰ نفر ، اعدام شده‌اند ، ۲۳۰ ستاره سرخ دیگر بر حاشیه مخمل خونین آسمان انقلاب ایستاده ، منجوق کاری شده‌اند . بعداً فهمیدم که هر شب از اوین ، خیلی از ستارگان ، از رنگین نشان سرخ فریادهای مقاومت عروج کرده و بسـه کهکشان شهدای خلق می پیوندند .

ادامه دارد

او سئوالانش را آنقدر تکرار کرد که خود خسته شد ، برای آسـرین بار و این دفعه بسـه وحشیانه‌ترین شکل ممکن ، مرا به زیر مشت و لگد گرفت و تهدید کرد که با دستگیری دیگری دوستانم ، همه چیز روشن خواهد شد و آنگاه مرا یکسر به جوخه اعدام خواهند سپرد . از این مشت و لگد و تهدیدات آخری خوشحال شدم . فهمیدم که دروغهایم کار ساز شده‌اند و توانستم از دستشان ، در بروم .

آنسوتر دختری دیگری ناله می کرد . به دنبال هر ناله شعار آتشینی سر می داد و به یاران دیگر ، قوت قلب می بخشید . حس کردم که این شعارها چونان خون گرمی در رگهای من جاری می شوند و درد را از یاد من می برند . نیروی تازه‌ای در خود احساس می‌کردم . دیگر در آن سالن موحش نبودم . پرنده سبید بال اندیشه‌ام در یک آسمان آبی سیر می کردم در زیر آفتاب درخشان انقلاب تا افق دوردست ، گسترده بود .

به دنبال پایان یافتن این بازجویی ، پاسداری آمد و مرا بعد از پایین بردن از یک پله ، به داخل سالنی انداخت که فوراً پی بردم که چند نفر دیگر نیز در آن بسر می برند . آنها یکریز ناله می کردند . من در آن هنگام کمتر به خود می اندیشیدم ، اولین بازجویی در اوین را پس داده بودم و حالا وقت آن بود که تمام تن ، گوش‌گرم و مسحور خط‌مافرنی‌ها ی یاران و مبارزان در بند ، شوم . چشمم ایستاده بود ، لیکن با شنیدن صدای ناله‌های متفاوت پس بر دم کسه در آنجا می بایست بیش از ۲۰ نفر زندانی ، در انتظار شکنجه مجدد باشند . نزدیکترین ناله به من از گلولی خسته دختری بر می خاست که می شد به راحتی پی برد که شکنجه‌گران چه بر روز او آورده‌اند .

ناله‌های او ، قلم را می لرزاند . او از درد به خود می پیچید و هرازگاهی جیسخ کسوتاه و خفهای از گلوش خارج می شد . دیگر نتوان فریاد کشدن را نیز نداشت . آنسوتر دختر دیگری ناله می کرد . به دنبال هر ناله شعار آتشینی سر می داد و به یاران دیگر ، قوت قلب می بخشید . حس کردم که این شعارها چونان خون گرمی در رگهای من جاری می شوند و درد را از یاد من می برند . نیروی تازه‌ای در خود احساس می‌کردم . دیگر در آن سالن موحش نبودم . پرنده سبید بال اندیشه‌ام در یک آسمان آبی سیر می‌کردم که زیر آفتاب درخشان انقلاب تا افق دوردست ، گسترده بود . نمی دانم چه مدت گذشت که لگد یک پاسدار مرا به خود آورد . او دستم را گرفت و با فریاد گفت : " . . . حالا حالت را جـا خواهیم آورد تا چفت دهانت باز شود ! " او مرا کشان کشان به داخل اتاقی انداخت و با یک لگد دیگر نقش بر زمین ساخت . لحظاتی بعد ، با طعم شلاق شکنجه‌گران آشنا شدم . از

آنها این روزنامه‌ها را به زندانیان نشان می دادند و به جلادی خود ، مباحثات می کردند .

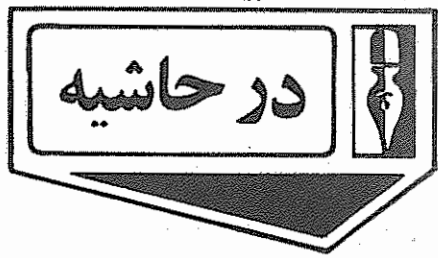
ورود به اوین

بعد از دوازده روز بازداشت در " ساختمان قرمز " ، مرا همراه با چهار پاسدار به وسیله یک جیب استیشن به زندان اوین فرستادند . بعد از یازسی دقیق در مقابله در ورودی زندان ، من به داخل صفی از زندانیان جدید وارد شدم که همگی منتظر گذراندن تشریفات ورود به مخوفترین شکنجه‌گاه رژیم بودند . با این که چشمهایم بسته بود ، لیکن با توجه به گذشت زمان و رفت و آمدهایی که وجود داشت ، پی بردم که این صف باید خیلی طولی باشد . از تجسم وضعیت صف طولی از زندانیان با چشمها و دستهای بسته ، به حالت خاص ، دچار شدم . طولانی بودن صف به من نیرو می داد . صدای گامهای زندانیان برای من مفهوم خاصی داشت . بسـه شعر حماسی بلندی می مانست که ترجیح آن چنین بود : ما بسیاریم ! ما بسیاریم ! ما بسیاریم !

از خشم و غضب پاسداران نیز نیرو می‌گرفتم . دقیقه به دقیقه یکی از آنان بسـه صف حمله‌ور می شد و زندانیان را بسـه زیر مشت و لگد می گرفت .

بعد از چندین ساعت انتظار ، نوبت من فرا رسید تا به درون اتاق بازجویی انداخته شوم . بازجویی که در آن اتفاق بسـه بود ، بعد از زدن یک کشیده محکم به صورت من ، چشمهایم را باز کرد تنها صورتم را ببیند . خود او نقاب بر چهره داشت . در اتاق پیر مرد دیگری با چشمهای بسته نشسته بود که بعداً فهمیدم اهل یکی از شهرها آذربایجان است و او را به جرم تودهای یـا فدایی بودن ، گرفته‌اند . بازجو بعد از پرسیدن نام من ، رو به آن رفیق پیر مرد کرد و گفت : " این شخص را می شناسی ؟ " رفیق جواب داد : " نه ! " بازجو که جوان و قوی هیکل بود با شنیدن این جواب بدون مکت و قاطع ، به جان او افتاد و تا هنگام که خود رمق داشت ، او را زد . نفس پیر مرد از این کتکها بند آمد . نقش بر زمین شد و به گونه‌ای مفلح ، شروع به نالیدن کرد . بازجو باز لگدی به او زد و با لحنی که به غرش می مانست ، گفت : " آنقدر اینجا می‌مانی تا این رفیق کافرت را بشناسی ! "

بعد از پیر مرد ، نوبت من رسید . بازجو با حالت خشمگینی شروع به پرس و جواز من کرد . می دانستم که اطلاعات آنها در مورد من خیلی اندک است . لذا با خونسردی همسان حرفهایی را که در ساختمان قرمز " زده بسـه تکرار کردم . بازجویی بلوف می‌زد ، مرا تهدید می‌کرد و آنگاه که با خونسردی من مواجه می شد بسـه مشت و لگد و فحشهای ریک متوسل می‌گشت .



خدمتگزاران یا خیانتکاران

دادستان کل کشور، در سخنرانی قبل از خطبه نماز جمعه هفته قبل خود را "به عنوان خدمتگزار در داسرای انقلاب که مرجع تظلمات است" معرفی کرده و گفته است:

"عرض می کنم، انکل های جامعه راه افتاده اند، جباران حرکتشان را شروع کردند. سرمایه داران بزرگ راه افتاده اند." (کیهان ۲۸ خرداد)

دادستان در همین سخنرانی گفته است:

"اگر خدای نخواسته حرکت ما حرکتی شد که ضد انقلاب در جامعه را پدید آورد، سردمداران سابق با همه جنایت شان برگشتند و تازه راضی به برگشت هم نیستند. می خواهند همان جور جنایت کنند، سرمایه داران و انسان که ثروت های مملکت را به یغما ببرند. اگر ما حرکتمان چوری شد که به آنها قدرت دادیم خیانت آشکار است." (همانجا) باتوجه به همین اظهارات "خیانت آشکار" هیات حاکمه که "جوری حرکت کرده اند که انکل های جامعه، جباران و سرمایه داران بزرگ راه افتاده اند" برای همه مردم آشکار می شود.

حد لازم و کافی "وظیفه شرعی"

"دادسرای امور صنفی تهران" در روزنامه کیهان ۲۲ خرداد اعلامیه ای به چاپ رسانده که در آن "کمیته انقلاب اسلامی کرج" را به دلیل افشای اسرار مگو، مورد انتقاد شدید قرار داده است. بر مبنای این اطلاعیه تاحدودی می توان به "ماه النزاع" بین این دو ارگان پی برد. از قرار معلوم "در تاریخ ۲۴/۸/۶۰ باتوقیف یک هزار کارتن چینی آلات در بنگاه سعادت" پرونده ای بر علیه این بنگاه تشکیل می شود. آنگاه "پرونده در دادسرای انقلاب امور صنفی مطرح (شده) و پس از رسیدگی های لازم و کافی از طرف بازپرس مربوطه، منتهی به صدور قرار منع تعقیب (گردیده) و سپس با تأیید قرار از جانب معاونت دادستان، جهت اثبات مشروعیت اقدامات قضایی انجام شده، پرونده امر به نظر حاکم شرع محترم دادگاه انقلاب امور صنفی رسیده و ایشان نیز قرار موصوف را مورد قبول و تأیید قرار داده اند. بنابراین هیچ گونه ایراد و اشکالی به جریان رسیدگی پرونده به نظر نمی رسد." (اطلاعیه مذکور - تأکید از ماست)

اما سرپرست کمیته انقلاب اسلامی کرج که

گویا از این نمد کلاهی نصیب نشده است، دست به افشاکاری زده و فاشی سازد که "متصدی بنگاه سعادت با دادستان انقلاب امور صنفی که بیمار در منزل بستری بسوده، ملاقات کرده است" (همانجا)

اصل قضیه این جاست و از قرار معلوم در جریان همین ملاقات است که متصدی بنگاه سعادت "وظیفه شرعی" خود را "به حد لازم و کافی" انجام می دهد (یعنی می پردازد) و پرونده بسته می شود. و حالا گویا سرپرست کمیته کرج، مدعی شده است که این "وظیفه شرعی" از آنجایی که جیبی عاید او نشده "به حد لازم و کافی" بسوده است.

"دالان بهشت" شورای نگهبان به "بهشت"

"بهشتی عزیز! اینک بر مزارت گمراه آمده ایم، بشنوه مجلس در دم با انتخاباتی آزاد و پر شور تشکیل شد. بهشتی عزیز! میدانی که مسئولان و برادران عزیز تو نگذاشتند حتی مجلس که ۲۷ عضو خود را از دست داد. بود کار خود را یک لحظه متوقف کند. آرام بخواب (!!) که حزب ترمیم شد و به کار خود در ادامه داد و توانست کارهای بسیاری انجام دهد" (روزنامه جمهوری اسلامی ۲ تیر)

گوینده سخنان فوق خزعلی عضو شورای نگهبان و چهره سرشناس سازمان آمریکایی حجتیه است.

تشکر از بدبختی!

• يك "مستضعف":

"ما می دانیم که جنگ است. ۰۰۰ ولسی ما هم گناه نکردیم که تا آخر عمرمان با این بدبختی ها زندگی کنیم." (کیهان - ۳ تیر)

• يك امام جمعه:

"فعلا مساله اهم ما جنگ است و همین قدر اداره مملکت هم توسط مسئولین است، باید متشکر باشیم" (جمهوری اسلامی - ۳ تیر)

"بیماری بازار" و نسخه شیخ محمد یزدی

تجار بزرگ بازار که در عرصه اقتصادی و سیاسی یک تازی میکنند، از این که دولت توزیع بخش ناچیزی از مایحتاج عمومی را خود به عهده گرفته، گلایه دارند و معتقدند که اکنون دیگر شرایط، برای به رسمیت شناختن کامل "حقوق انحصاری" آنها در توزیع همه کالاها، آماده است.

شیخ محمد یزدی نایب رئیس مجلس که با دردهای بازاریان به خوبی آشناست در همین رابطه است که می گوید:

"وجود دو بازار یکی دولتی و دیگری آزاد، قابل دوام و صحیح نیست بلکه یک نوع بیماری است که باید سریعاً معالجه شود." (روزنامه

جمهوری اسلامی ۴ تیر)

"تجار محترم" بازار امید دارند که این گره نیز در مجلس دوم با حمایت "فقه های محترم" شورای نگهبان و با تجویزات حاذقانه شیخ یزدی ها باز شود و این بیماری هم مثل بقیه "بیماری های اجتماعی" دیگر با "ادعیه و اوراد فقهی" علاج یابد.

دیگر در مملکت هیچ مشکلی باقی نمانده است!

افاضه حجت الاسلام مقتدایی به مناسبت آغاز گشت "مبارزه با منکرات":

"احکام قرآن دارد در کشور پیاده می شود. دست دزد را می برند و فاسقون حدود و قصاص دارد پیاده می شود و مشکلات کم کم برطرف می شود"

(کیهان - ۲۶ خرداد)

"علاقه" و "اشتیاق" انحصارات!

وزیر صنایع سنگین با علاقه و مشتاقانه این چنین از "علاقه" و "اشتیاق" انحصارات امپریالیسم، به احیای مواضع از دست رفته شان در ایران، دم می زند:

"در مورد محاصره اقتصادی لازم است اشاره کنم که در حال حاضر کشور ما محاصره اقتصادی ندارد، بلکه دنیا و به طور کلی همه شرکت های بزرگ صنعتی در دنیا به سوی ما روی آورده اند و اتفاقاً علاقه مندند که بتوانند با کشور ما همکاری کنند. بنا بر این تامین قطعات مورد نیاز ماشین آلات کارخانجات و تامین مواد اولیه آنها در حال حاضر از کانالهایی تامین می شود که در دنیا وجود دارد و آنها نیز اشتیاق دارند که این امکانات را در اختیار ما بگذارند و باید بگویم که از این بابت، مشکلی نداریم" (کیهان ۲۳ خرداد - تأکید از ماست)

دم خروس یا قسم حضرت عباس!؟

"ما مکرر به ۰۰۰ نوجوانان می گوئیم به میدان جنگ نیایید!" (خامنه ای، کیهان ۲ تیر)

پس لابد این صدام است که مثلا در جلد یک امام جمعه می رود و فریاد می کشد: "از دانش آموزان دعوت می کنم تا در جبهه ها حضور داشته باشند و کار جنگ را یکسر کنند!" (جمهوری اسلامی - ۲۰ خرداد)

نقش امپریالیسم

بقیه از صفحه ۵

انباشتن منطقه از سلاح و نفرت نظامی و احیاناً بکارگیری آنها بردارد. ادامه جنگ ایران و عراق به صورت فرسایشی نیز بنوبه خود، امکانات نزدیک شدن تدریجی به این هدف را برای امریکا فراهم می سازد. مضافاً بر اینکه ادامه جنگ خود بخود به گسترش و افزایش تشنج خواهد انجامید.

از این رو تنه راه مبارزه با حضور روزافزون نیروهای متجاوز آمریکایی، خاموش کردن آتشی است که درواری پرده دود آن، آیین توطئه ها انجام می گیرد. آتش جنگ ایران و عراق.

این سو و آنسوی سد سکندر کنکور

این روزها صد ها هزار نفر از جوانان میهنمان، خورد ریا بییم و هراس، برای شرکت در کنکور دانشگاهها، آماده می کنند. این کنکور، دومین مسابقه ورودی به دانشگاهها، بعد از مضحکه انقلاب فرهنگی و به اصطلاح بازگشایی مراکز آموزش عالی است.

کنکور در ایران، همواره به مثابه سدی مهیب در سر راه تحصیل جوانان عمل می کرده است. در هر زمان، بنابر ویژگی آن دوره، بسیاری از شائقین به ادامه تحصیل، در ریزخورد باین سد سکندر، حق پانهادن به حریف دانشگاهها را نیافته اند. در زمان رژیم پهلوی کنکور، عمدتاً همچون اهرمی در راستای بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی عمل می کرد. سئوالات برابری برای کسانی که در شرایط نابرابری تحصیل کرده اند، بسیاری از جوانان خانواده های زحمتکش و مناطق محروم کشور را از ادامه تحصیل، بازمی داشت. اکنون کنکور در عین حفظ این نقش نا عادلانه، کارکرد پلیسی-ایدئولوژیکی نیز پیدا کرده و همچون وسیله ای برای گسترش فضای اختناق و سرکوب در دانشگاهها و کل جامعه، عمل می کند.

اکنون حکومت گران تاریخ اندیش و مترجم جمهوری اسلامی، چنان معیارهایی را برای گزینش دانشجوی بکار می گیرند که عملاً ورود به مراکز آموزش عالی را، برای جوانانی که به اسلام این آقایان، معتقد و مقید نباشند غیرممکن می سازد.

کنکور پیشین، که به خاطر بررسی های پلیسی-ایدئولوژیکی، نتایجش با مدت ها تاخیر اعلام شد بفاشکارترین شکل ممکن، اختناق ایجاد شده در جامعه و مراکز آموزشی، چهره واقعی مضحکه "انقلاب فرهنگی" و سیمای دانشگاههایی را که مد نظر سرداران جمهوری اسلامی است، برملا ساخت. و حال مسئولین آموزش عالی کشور می خواهند با بهره گیری از تجربیات پلیسی

کنکور قبلی، دست به تفتیش عقاید دیگری برای گزینش دانشجوی های جدید بزنند. از میان ۳۶۰ هزار نفر متقاضی شرکت در کنکور ۳۵ هزار نفر می توانند از صافی های سا و اما و انجمن های اسلامی گذشته، ظاهر شوند. بی خطر" تشخیص داده شده و وارد دانشگاه شوند. اینان بعد از ورود به مراکز آموزش عالی تازه با نبوهی از مشکلات مواجه می شوند، که دست کمی از مصایب این سوی سد سکندر کنکور، ندارند.

غلبه کامل جو رعب و وحشت بروحی-ط دانشگاهها، خشنامه ها و کمیته های انضباطی رنگارنگ، پیگرد های انجمن اسلامی، جاسوسی-های عوامل رژیم در پوشش دانشجوی و استاد کارمند، مواد درسی مطلقاً ارتجاعی، کمبود استادان متخصص، پایین آمدن و حشتناک سطح علمی دروس دانشگاهی، کمبود امکانات رفاهی، مساله مسکن، فشار هزینه های سنگین تحصیل و زندگی، همگی دست به دست هم داده و دیگری رمقی برای درس باقی نمی گذارند.

این وضع درد راز مدت قابل دوام نیست. هم اکنون نیز به وضوح می توان شاهد انعکاس اعتراضات مختلف نسبت به مشکلات و مصایب این سو و آن سوی سد کنکور، حتی در مطبوعات سانسور شده و ولتی بود.

شعله های جنبش دانشجویی میهن ما که دارای یک سابقه درخشان مبارزاتی است، اگر چه بایک سرکوب شدید و همه جانبه، فروکش کرده، لیکن خاموش نگشته اند. تاکید مکرر مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر این کسسه درد دانشگاه نباید "سیاست بازی" باشد و یا این که فعالیت سیاسی در دانشگاهها باید در کانالها باز بینی شده و دولت جریان یابد، انعکاس همین مساله است. بی گمان گره کنونی مشکل مبارزات دانشجویی میهنمان در خارج از دانشگاهها و در جریان مبارزات عمومی، خلش

برضد خفقان حاکم بر کشور، حل خواهد شد. اما این امر نباید منجر به کم بهادادن به مبارزات باشد که در حال حاضر به این شکل یا آن شکل در دانشگاهها، جریان دارد. جنبش دانشجویی میهنمان، با بهره گیری از توان مبارزه عمومی خلق و با اتکا بر تجربیات غنی خویش، بی گمان در آینده ای نه چندان دور، جایگاه شایسته خود را باز خواهد یافت. محیط دانش و آزاد اندیشی نمی تواند در دراز مدت عرصه جولان تفکرات سیاه منگی بر سر نیزه باشد.

دانشجویان

از در بدری و بی مسکنی خود سخن میگویند

"حدود ۶ ماه است که برای ادامه تحصیل به تهران آمده ام، در این مدت همسرو فرزندم را در شهرستان گذاشته ام. در این ۶ ماه هر جایی را در تهران گشته ام اجاره های زیاد یا ودیعه های سنگین طلب می کنند که قادر به پرداخت آن نیستم. الان هر هفته مجبورم دو روز را در تهران باشم که با این وضع نه قادر به ادامه درس هستم و نه به زندگی می رسم، اگر فشار بیشتر شود بسیاری مجبور به ترك تحصیل دائم می شوند." (یک دانشجوی شهرستانی، کیهان ۲۱ خرداد)

"در سالی که ما در آن زندگی می کنیم همچون سربازخانه ها ۷۰ نفر را در تخت های دو طبقه جای داده اند. رفت و آمد این افراد، سرو صداها... حتی یک لحظه به انسان فرصت مطالعه نمی دهند... عملاً مطالعه در این سالن برای ما مقدور نیست، با این وجود وضعیت ما به مراتب بهتر از کسانی است که تا کنون جایی را نیافته اند و مجبورند هر شب با اعصابی خسته و با روحی کسل اتاقی را در مسافر خانه یا جای دیگر پیدا کنند." (همانجا)

"تا کنون حدود ۲ هزار نفر از دانشجویان این دانشگاه (دانشگاه ملی) به علت دست نیافتن به خوابگاه و مسکن ترك تحصیل نموده اند." (همانجا)

می دانسته است، اخیراً اعلام کرده "پراساس اسناد بدست آمده از یک پایگاه هوایی آمریکا در اسپانیا، آمریکا در تهیه بمبیز عراق به کاخردل، دخالت مستقیم داشته است." (روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ تیر)

اینگونه بیچ و تاب خوردن های رژیم در میان حرفها، تبلیغات و عملکرد های متناقض، بیش از همه نمایشی است از یک حالت عجز، زبونی و درماندگی. کارکرد های رژیم اگر چه در مقطعی و در مواردی متناقضی نماید، لیکن برآیند معینی دارد، برآیندی که هر آن بیشتر با طبیعت امپریالیسم می گردد.

جانب رفسنجانی "خوب" و "واقع بینانه" توصیف شد (روزنامه ج ۱۹۰۱۰ فروردین) نمونه ای از این تشویقهاست.

اما امپریالیستها باج بیشتری می خواهند. آنها مطمئنند که رژیم ج ۱۰، بیش از اینها از در سازش در آمده، و وادار به تمکین خواهد شد. آنها که بر اساس برنامه خود حرکت می کنند، بر همین مبنا هنوز ظاهراً خود را در برابر ج ۱۰ حفظ کرده اند. رژیم نیز گاه از این امر برآشفتن شده و شروع به پر خاشگری می کند. رژیم که آگاهانه فراموش کرده است تا دیروز شوروی را منبع تامین سلاحهای شیمیایی عراق

جمهوری اسلامی

در غوغای خود را بوملای سازد

بقیه از صفحه اول

چارو چنگا لهای خود دشمن خود سازد تا بلکه آنها "لطف" کرده و پیش از پیش به جمهوری اسلامی برای تداوم جنگ خانمان سوز فعلی، پیاری رسانند. رژیم در گرما گرم داد و فریاد دول استفاده عراق از بمبهای شیمیایی شوروی را متهم ساخت که منبع تامین این گونه سلاحهاست. امپریالیستها به این تبلیغات ایران باخشنودی نگریستند و به انکال مختلف، آن را تشویق کردند. و اکثراً وزارت خارجه آمریکا در این مورد که از

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

اتحادیه کارگران پشرو ذوب آهن پاکستان: مبارزان سیاسی و کارگران زندانی در ایران را آزاد کنید!

گرامی باد خاطره رزم خونین و دلیرانه کارگران نساجی قائم شهر!

۹ سال از اعتصاب خونین کارگران مبارز نساجی قائمشهر میگذرد. روزهای ۷ و ۸ تیر ماه سال ۱۳۵۴ نشان از رزم دلیرانه کارگران قهرمان نساجی قائمشهر دارد. در این روزها، در شرایطی که سیستم ترور و خفقان رژیم مزدور شاه بر کشورمان سایه سنگین خود را گسترده بود، رزم قهرمانانه کارگران نساجی قائمشهر بمنظور دستیابی به خواستههای بشری و عادلانه خود، ماهیت تمیقا ضد کارگری رژیم را افشاء کرد.

کارگران خواهان افزایش سود ویژه بودند. آنها به نحوه تقسیم این سود و انتخاب نماینده فرمایشی کارگران، برای مجلس شورای ملی معترض بودند. ابتدا رئیس کارخانه، در پی آن بود که با وعده و وعید تو خالی کارگران را از ادامه اعتصاب بازدارد، اما کارگران قریب او را نخوردند و به اعتصاب ادامه دادند.

در بعد از ظهر روز دوم (۸ تیر) چکمه پوشان شاه بمنظور مانع از ورود کارگران شیفت ۲ به داخل کارخانه وارد عمل شدند. اما علیرغم خسارت ما موران پلیس، کارگران در پی مقاومت دلیرانه خود توانستند به داخل کارخانه راه یابند. یادگان ژاندارمری شیرگاه افراد کفکی به کارخانه فرستاد. پلیس و ژاندارمری یاتون و قنடاق تفنگ به کارگران مبارز یسور ش آوردند و عده ای را شدیداً مضروب نمودند.

کارگران که به اوج خشم و عصبانیت رسیده بودند، با پرتاب سنگ به نیروهای سرکوبگر به مقاومت خود ادامه دادند. وحشیگری پلیس و ژاندارمری بدنبال مقاومت کارگران اوج یافت. آنها با برزی کارگران آتش گشودند و چندین تن مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. با اینهمه باز کارگران پاسخ گلوله را با سنگ می دادند.

۱۱ شب، ماشین آب پاش، جهت متفرق ساختن کارگران به محل آمد. کارگران ماشین را بسیا پرتاب سنگ متوقف ساختند؛ راننده اش را مجبور به تسلیم کردند و ماشین را به آتش کشیدند.

نبرد نابرابر کارگران قهرمان نساجی قائمشهر با نظامیان مزدور شاه تا ساعت ۳ با امداد ادامه داشت. سرانجام، نظامیان بعد از به شهادت رساندن ۴ نفر و زخمی نمودن عده زیادی از کارگران، توانستند با تویسل به گلوله و پرتاب گاز اشک آور کارگران را متفرق سازند. متعاقب این درگیری، به مدت ۹ روز در شهر حکومت نظامی اعلام شد.

رزم دلیرانه کارگران نساجی قائمشهر، هیچ حمایت وسیع کارگران و روشنفکران را در پی داشت. دانش آموزان و دانشجویان دانشسرای عالی قائمشهر به نشانه همبستگی با اعتصاب کارگران نساجی، تظاهرات گسترده ای علیه گلوله باران کارگران راه انداختند. این تظاهرات مورد حمایت عمیق گروههای وسیعی از مردم شهر قرار گرفت. در ساری دانش آموزان دست به

تاکتون به روزنامه نگاران، پزشکان و حقوقدانان اجازه ملاقات با زندانیان را نداده اند. هر شخصی به وضوح می تواند پی ببرد که هیچ گونه اثری از عدالت و حقیقت در جریان " محاکمات " برگزار شده از جانب رژیم ۱۰۰ نیست. ما معتقدیم که اکنون از سوی رژیم ۱۰۰ نه تنها مبارزین عضو حزب توده ایران و دیگر نیروهای مترقی، بلکه خود انقلاب نیز مورد اتهام قرار گرفته و محاکمه می گردد.

۱۹ هزار کارگر بزرگترین مجتمع صنعتی پاکستان خواهان توقف بدو در " محاکمات " غیر انسانی در ۱۰۰ و اجازه بازدید یک هیات بین المللی، متشکل از پزشکان، حقوقدانان و روزنامه نگاران، از وضعیت زندانیان توده ای هستیم. ما خواهان آنیم که همه زندانیان توده ای به منظور نجات انقلاب، از بند اسارت رهایی یابند.

اجلاس عمومی صد و هجتم اعدام برعلیه مبارزین توده ای را قوی محکوم ساخته و خواستار توقف این قبیل اعمال جنایتکارانه از سوی دولت جمهوری اسلامی است.

در پایان قطعنامه از همه کارگران جهان خواسته شده که اقدامات ضد بشری دولت جمهوری اسلامی ایران را محکوم نموده و برای نجات جان پیشروان طبقه کارگر ایران و کارگران زندانی در ایران صدای اعتراض خود را بلند سازند.

هیات اجراییه " اتحادیه کارگران پشرو ذوب آهن پاکستان " در روز ۱۱ فوریه ۱۹۸۴، اجلاس عمومی خود را به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ایران، برگزار کرد. سخنرانان این اجلاس، طی نطق های خود، انقلاب ایران را از زوایای مختلف، مورد بررسی قرار دادند. در پایان اجلاس، قطعنامه ای به اتفاق آرا به تصویب رسید که مقرر شد، رو نوشت آن برای دولت جمهوری اسلامی ایران نیز فرستاده شود.

این قطعنامه بعد از توصیفی از خصالت ضد امپریالیستی و دموکراتیک انقلاب ایران و علت ها، انگیزه ها و نیروهای پیشبرنده آن، به توطئه های امپریالیسم و ارتجاع برای مسخ انقلاب اشاره دارد و بعد از توضیح ابعاد غلبه راست گرایان در حاکمیت متذکر می شود که " در چنین شرایطی، به منظور پیشبرد روند مسخ و فروپاشی انقلاب، مبارزین پیگیر راه استقلال و حاکمیت ملی، بویژه انقلابیون عضو حزب توده ایران و دیگر دوستان راستین خلق های ایران، با آنها متحدی همچون " جاسوسی " به زندان افکنده شده اند.

در همین رابطه نمایشهای تلویزیونی مفتضحانه ای با همکاری ساوک و سیا و موساد، تهیه شده است.

اکنون محاکمات جدیدی آغاز گردیده که در آنها دادستان، محکم قاضی رانیز دارد.

شرکت کمیته "همبستگی با ایران" در کنفرانس ایالتی "سبزها"

بنایه دعوت کنفرانس ایالتی حزب سبزها، که به مدت دو روز از ۳۰ ژوئیه در شهر کوبلنز آلمان غربی برگزار شد، کمیته همبستگی با ایران " در این کنفرانس شرکت نمود. نماینده کمیته در سخنرانی مبسوط خود، ضمن افشای جنایات ددمنشانه حکام شکنجه گر ۱۰۰ از حاضرین خواست تصادای اعتراض خود را بر علیه شکنجه های وحشیانه و اعدام زندانیان سازمانها ضد امپریالیست و میهن پرست، هرچه رساتر به گوش بشریت تر قیخوخواه جهان برسانند.

شرکت کنندگان در کنفرانس ضمن استقبال شورانگیز از سخنرانی نماینده کمیته، تنفر عمیق خود را نسبت به اعمال وحشیانه رژیم ۱۰۰ ابراز داشتند و با امضا کارت پستال و ارسال آن به سفارت ۱۰۰ درین، خواستار شدند که هرچه سریعتر، شکنجه های غیر انسانی و اعدام زندانیان سیاسی ضد امپریالیست در زندانهای قرون وسطایی ایران متوقف شود.

اعتصاب زند و کارگران چیت سازی، بهشهر حمایت خود را از کارگران قائمشهر اعلام داشتند.

نبرد کارگران نساجی قائمشهر، در شرایطی انجام گرفت که دستگاه چینی شاه هرگونه تشکل کاری را درهم کوبیده بود، و از سندیکاها و مجامع راستین کاری خبری نبود. تحت این چنین شرایطی اعتصاب خونین کارگران و تاثیر آن در افشای ماهیت رژیم و گسترش مبارزات خلق، اهمیت ویژه ای داشت.

کارگران قهرمان نساجی و بطور کلی طبقه کارگر ایران، از این اعتصاب درسهای گرانقدری آموختند. کارگران امروز نیز با تکیه بر نجارب آموزنده خود، بیش از پیش، در می یابند که اتحاد و تشکل کارگران شرط ضرور موفقیت آنان در عرصه نبرد با سیستم فلاکت بار سرمایه داری است. آنها امروز نیز، حربه اعتصاب را بمقابله کاراترین حربه، در مبارزه با رژیم کارگر ستیز ۱۰۰ بکار میگیرند.

رویدادهای جهان

آمریکای مایل به مذاکره برای گنجینه‌گیری از نظامی کردن کیهان نیست

خبرگزاری تاس طی بیانیه‌ای، موافقت دولت شوروی را درباره پاسخ دولت آمریکا به پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد مذاکره برای جلوگیری از نظامی کردن کیهان، اعلام نمود. تاس می‌نویسد: در بیانیه‌ای که در واشنگتن عجلانسه منتشر شد کوشش می‌شود اصل مسأله بطور مشخص تحت الشجاع مسایل دیگر قرار گیرد و موضوع مذاکرات به فراموشی سپرده شود. واشنگتن این شرط را قابل شده است که مذاکره در مورد سلاحهای فضایی با مسایل مربوط به سلاحهای میان برد در اروپا و سلاحهای استراتژیک همراه گردد. اما همه می‌دانند که مذاکرات مربوط به سلاحهای هسته‌ای توسط واشنگتن که مشکلات جدید خود را در اروپا مستقر می‌سازد، عمدتاً شکست روبرو شده و دولت آمریکا در جهت همواره ساختن راه برای بحث درباره این مسایل گامی برنداشته و نمی‌خواهد برآورد. امروز دولت آمریکا می‌خواهد ضمن حفظ این بن بست جلوی مذاکرات درباره پیشگیری از نظامی کردن فضا را نیز بگیرد. دولت آمریکا تا آنجا که مربوط به سلاحهای فضایی است، مایل نیست پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد ممنوعیت این سلاحها عملی شود، و به همین دلیل از مذاکرات جدی در این باره طفره رفته و می‌خواهد دست خود را برای تحقق برنامه تبدیل فضا به صحنه اعمال تجار و کارخانه باز بگذارد.

خبرگزاری تاس ماموریت دارد اعلام کند که پاسخ دولت آمریکا به بیانیه دولت شوروی به هیچ وجه کافی نبوده و بطور آشکارا این هدف را دنبال می‌کند که فضا به محل استقرار سلاحهای نابودی جمعی تبدیل نگردد. اتحاد شوروی قاطعانه تلاشهایی را که متوجه قرارداد ن پیش شرط برای مذاکره در مورد مسائلی دارای اهمیت حیاتی برای تمام کشورها و جلوگیری از حل آنست، محکوم می‌کند. پیشنهاد اتحاد شوروی در مورد مذاکره پیرامون پیشگیری از نظامی کردن فضا به قوت خود باقی است.

دعوت "شورای عالی ورزش آفریقا" به عدم شرکت در المپیک لس آنجلس

"شورای عالی ورزش آفریقا" از کشورهای آفریقایی خواست در بازیهای المپیک لس آنجلس به علت بی توجهی کشورهای غربی به تحریم بین المللی تعاسهای ورزشی با آفریقای جنوبی، شرکت نکنند. این تصمیم بدین دلیل گرفته شد که در ماه ژوئن، علیرغم اعتراضات بین المللی،

یک تیم ورزشی انگلیسی از آفریقای جنوبی دیدار نمود. کشورهای آفریقایی بارها تاکید کرده بودند که در صورت انجام چنین تعاسهای ورزشی که با هدف تبلیغ برای رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی برقرار می‌گردد، به اقدامات اعتراضی دست خواهد زد.

"هنری زونگو" وزیر ورزش، ولتای علیا" و رئیس "شورای عالی ورزش آفریقا" طی یک کنفرانس مطبوعاتی در آدیس آبابا پایتخت اتیوپی اظهار داشتند ولت انگلیس کوچکترین گامی در جهت جلوگیری از سفر تیم ورزشی به آفریقای جنوبی برنداشت، و حتی به پیام منگستو هایل مریم، رهبر اتیوپی و رئیس سازمان وحدت آفریقا در این زمینه بی اعتنایی نمود. رئیس شورای عالی ورزش آفریقا افزود این رفتار دولت انگلیس توهمین به سازمان وحدت آفریقا و نقض منشور المپیک است.

در المپیک ۱۹۷۶ در مونتريال، ۲۹ کشور آفریقایی به دلیل تعاسهای ورزشی غیرقانونی "زلاند نو" با آفریقای جنوبی از شرکت در این بازیها خودداری ورزیدند.

راهزنی دریایی اسرائیل

روز جمعه ۲۹ ژوئن قایقهای جنگی اسرائیل به یک کشتی مسافربری لبنانی که از قبرس عازم بیروت بود، فرمان داد تا راهی بندر "حیفا" در اسرائیل شود. در حیفا ۹ نفر از مسافرین کشتی لبنانی توسط صهیونیستها بازداشت شدند.

ناخدای کشتی لبنانی پس از ورود به بیروت اظهار داشت کشتی وی هنگام متوقف شدن آن توسط اسرائیلیها، در آبهای بین المللی حرکت می‌کرد. کاپیتان کشتی مسافربری مزبور افزود در حیفا همه مسافرین و خدمه کشتی مورد بازجویی و عسبرداری قرار گرفتند. دولت لبنان کشتی ربای اسرائیل را بعنوان راهزنی دریایی و نقض خشن مقررات بین المللی و حقوق بشر محکوم کرد.

همچنین در حمله سربازان اسرائیلی به بندر صیدا واقع در جنوب لبنان که تحت اشغال صهیونیستهاست، گروه زیادی از مردم، از جمله تمام اعضای یک خانواده کشته شدند.

توطئه کودتادر

بولیوی شکست خورد

روزشنبه ۳۰ ژوئن "هرنان سلیزوزو" رئیس جمهوری بولیوی توسط یک گروه از نظامیان از اقامتگاه خود ریزوده شد. اما این توطئه که با هدف سرنگون کردن دولت دمکراتیک این کشور طراحی شده بود، با مقاومت مردم و نیروهای مسلح مواجه گردیده و شکست خورد. رئیس جمهوری بولیوی پس از ۱۰ ساعت از اسارت کودتاچیان نجات یافت.

به دعوت اتحادیه های کارگری بولیوی، مردم "لاپاز" در تظاهرات عظیمی پشتیبانی خود را از دولت این کشور اعلام کرده و خواهان مجازات عوامل کودتای نافرجام شدند.

"سلیزوزو" رئیس جمهوری بولیوی پس از در دست گرفتن مجدد زمام امور دولت اعلام نمود که همچنان به اتفاق همه مردم این کشور در راه تحقق برنامه دولت در جهت برقراری دمکراسی و نظم، خواهد کوشید.

اعتصابات و اعتراض مردم اروگوئه علیه دیکتاتوری

مردم اروگوئه با برگزاری روز اعتراض ملی خواهان بازگشت به دمکراسی شدند. زحمتکشان مونته ویدئو پایتخت و سایر شهرهای این کشور، دست از کار کشیدند. شبکه حمل و نقل و راه آهن و بارگیری در بندر مونته ویدئو متوقف شد. فروشگاهها، ادارات دولتی و بانکها تعطیل شدند. در دانشگاهها و مدارس بسته ماند و دانشجویان، دانش آموزان، معلمین و استادان به اعتصاب پیوستند. بسیاری از کارفرمایان نیز با اعتصاب همراهی کردند.

نظامیان حاکم در اروگوئه "روز اعتراض ملی" را ممنوع اعلام کرده و زحمتکشان را در صورت شرکت در فعالیت های این روز تهدید به مجازات نموده بودند. سازماندهی اعتراضات از سوی جبهه متحدی از اجزای مخالف انجام گرفت. در طول روز، گشت های تاندان مسلح نظامیان در خیابانهای مونته ویدئو به چشم می خوردند.

ژنرال بازنشسته "لیبر سره نی" رهبر اپوزیسیون اروگوئه روز اعتراض ملی را موفقیت آمیزترین تظاهرات علیه دیکتاتوری نظامی و برای احیای حقوق مردم ارزیابی کرد.

عادی شدن اوضاع "دره پنجشیر"

تحت کنترل حکومت مردمی افغانستان

با گذشت چند ماه از بیرون راندن اشرا ر ضدا انقلابی از "دره پنجشیر" واقع در شرق کابل، اوضاع در این منطقه خسان از خاک افغانستان به حال عادی باز می گردد. اخیراً ریش سفیدان قبایل ساکن این دره، طی یک گرد همایی، که نمایندگان دهها قبیله ایمن منطقه، منجمله بازارک، مرسابق، احمدشاه مسعود، سرکرده ضدا انقلابیون، در آن شرکت داشتند، از دولت مردمی افغانستان اعلام حمایت کرده و ضدا انقلاب افغانستان را که تحت حمایت سرویس های جاسوسی آمریکا و متحدان ناتوی آن از پاکستان به اعمال خرابکارانه علیه افغانستان انقلابی دست می زند، محکوم نمودند. در دره پنجشیر سازمان یابی نیروهای مدافع انقلاب جریان دارد و با استقبال زیاد مردم روبرو شده است.

اکنون سربازان ارتش افغانستان، که ناحیه پنجشیر را آزاد کردند، در تعمیر جاده ها، پل ها، خانه ها و آبراه ها به مردم محل کمک می کنند. دولت در تأمین آذوقه و کالاهای مورد نیاز، به مردم یاری می رساند و عده ای از پزشکان را به این منطقه فرستاده است.



اعتصابات کارگری برای افزایش دستمزدها

جنبش کارگری میهنان در ریزخورد با فلاکت موجود، هرآن تاکید بیشتری بر روی شعار "افزایش دستمزدها" می کند. حرکت کارگران حول این شعار، از يك کارخانه به کارخانه دیگر گسترش یافته و می رود تا به صورت يك جنبش پرتوان و فراگیر درآید. اخیراً کارگران چیت باقی ری و کارخانه ایران رادیاتور و فوق شده اند. با استفاده از اهرم نیرومند اعتصاب دستمزدهای خود را از ۱۰ تا ۱۵ تومان در روزی افزایش دهند و در جنب آن به برخی از خواسته‌ها دیگر خود نیز برسند.

جلسات بررسی قانون کار در کارخانه‌های مختلف

در ماه‌های اخیر در کارخانه‌های مختلف جلسات متعددی برای اعتراض به قانون کار پیشنهادی حکومت از سوی کارگران، تشکیل شده است. جمع‌بندی گزارش‌های مختلف در این مورد نشان می‌دهد که در اکثر این جلسات

کارگران بر روی موضوعات زیر اعتراض داشته‌اند:

- عدم استقلال شوراهای کارگری و تنها احاله يك نقش مشورتی به آنها.
- بی توجهی به وضعیت دستمزد کارگران.

- حق بازنشستگی.
- عدم برابری تعطیلات کارگران با کارمندان.
- تعطیل نکردن روز کارگر (اول ماه مه).
- محسوب نکردن ساعات صبحانه و نهار و ... جزو ساعات کار.
- کارکردگان.

- کم بودن مرخصی دوران بارداری و زایمان کارگران زن و ...
- نکته ای که در این میان بسیار چشمگیر است این است که کارگران هرکارخانه می‌کوشند نتایج جلسات خود را به اشکال مختلف، به اطلاع کارگران کارخانه‌های دیگر برسانند. در برخی از کارخانه‌ها (همچون شهاب هیتاچی) به دنبال تشکیل این قبیل جلسات، قطعنامه‌ی نیز صادر گشته و به تأیید همه کارگران می‌رسد.

آزادی ساواکی‌ها از زندان

پرنیان رئیس ساواک کرخ، و حدود ۶۰ نفر دیگر از عناصر رژیم سابق، به مناسبت عید نوروز از زندان کرخ آزاد شده‌اند. به عهده معدود دیگری که از این عناصر در زندان باقی مانده‌اند نیز، قول داده‌اند که به زودی آزاد شوند.

دولت افغانستان به عشایری که مایلند اسکان یابند کمک می‌کند

شده‌اند، برنامه اسکان داوطلبانه عشایر در دستور کار قرار گرفته است. دولت بکشاورزان تازه کار زمینه ساختن خانه، خرید و سایر زراعت و بذر و کود شیمیایی و نیز تأمین آب آشامیدنی و آبیاری کمک می‌کند. پروژه‌های آبرسانی در سراسر کشور گسترش می‌یابد، تا هم برای کشت و رزی و هم برای دامپروری، امکانات بیشتری فراهم آید. مایه کوبی دامها، باعث کاهش چشمگیر میزان مرگ و میر آنها شده است. از تجار سودجو و استعمارگر که دامهای عشایر را به بهای نازل خریداری می‌کردند، خلع ید شده و دولت برای دامها قیمت‌های ثابت تعیین نموده است.

اقدامات مردمی دولت انقلابی افغانستان از حمایت وسیع عشایر این کشور برخوردار می‌گردد. چندی پیش در کابل، گرد همایی ریش سفیدان چند قبیله کوچ نشین برگزار شد. شرکت کنندگان در این گرد همایی، حمایت خود را از تحولات اجتماعی - اقتصادی ای که پس از وقوع انقلاب شور در کشور انجام گرفته، باسرا ز داشتند.

معاون وزارت امور اقوام و قبیای جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرد: دولت این کشور به عشایری که مایلند اسکان یابند، کمک خواهد نمود تا بتوانند به زراعت و دامپروری بپردازند. وی افزود: بلافاصله پس از انقلاب شور، اسکان عشایر غیر ممکن بود، زیرا زمین در عمل قتل و دالها و ملاکین و دست نشانگان آنان قرار داشت. بهمین دلیل، بلافاصله پس از انقلاب، کمیته دولتی ویژه کمک رسانی به قبایل کوچ نشین تأسیس گردید. این نهاد چندی پیش به اداره امور کوچ نشینان در جنب وزارت امور اقوام و قبایل جمهوری دمکراتیک افغانستان (ج.د. ۱۰۰) تغییر نام داده است و عشایر را از لحاظ آب، نفت سفید و دیگر کالاهای ضروری تأمین می‌کند. در طول راه‌هایی که کوچ نشینان در دشت‌های بی‌اب‌طی می‌کنند، چاه‌های عمیق حفر می‌گردد. ارکانهای محلی دولتی، برای کودکان عشایر مدار شبنامه روزی دایر می‌کنند.

اینک که در نتیجه اصلاحات ارضی، زحمتکشان هم صاحب زمین زراعتی و هم آب

بازگرداندن "اموال شر سرمایه داران و ملا

روند پس دادن کارخانه و شرکت صادره شده در سالهای اول انقلاب، با بعد گستره تری به خود می‌گیرد. طبق رسیده، کارخانه "تهران سفالین"، "چ" و "لوازم خانگی جاز"، اخیراً به صاحب سابق آنها، مسترد گردیده‌اند.

یکی از شهرکهای هوازی نیز به کمک دستگاههای قضایی جمهوری اسلامی به مالکان آنها، مهندس نجفی و قبايي (وکیل دادگستری)، پس داده شد. ماست. ساکنین این شهرک مجبور به تخلیه خانه‌های خود شده‌اند. مهندس نجفی و قبايي درید و انقلاب، به مدت ۶ ماه زندانی شده و اموال آنها، صادره گردیده بود.

پیگردانشجویان اخراجی

اخیراً پرونده همه دانشجویان اخراجی از دانشگاه‌ها برای پیگرد و دستگیری آنها، به زندان وین فرستاده‌اند.

کمد های مالی رسیده

رفیق مژده از گوتینگن (آلمان فدرال) ۵۰ مارک
رفیق کامیلا ز برلن غربی یک ساعت مچی

رفیق ر. از آخن هدایای شما رسید

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای فدایی در شمال بریتانیا (ولز)

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO. 14
FRIDAY. 6 JULY 84

آدرس
ALMAN FEDRAL
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا